

## نگاهی به وضعیت جوامع روستایی ایران در دوران قبل از اصلاحات ارضی

۹ آذر ۱۳۹۶ ساعت ۱۴:۵۷

شواهد تاریخی درباره رفتار سیاسی دهقانان ایران نشان می دهد که اصلاحات ارضی نه به علت فشار دهقانان بر دولت، بلکه به دلایل دیگری شکل گرفت...

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

مقدمه

اصلاحات ارضی مهم ترین استراتژی برای توسعه ملی کشورهایی است که بهره برداری از زمین در آنها به شکل‌های سنتی وجود دارد و سبب می شود تا تغییرات عمقی و عمده ای در نظامهای اجتماعی و اقتصادی طبقات غیر شهری ایجاد گردد. ۱۰۰ در ایران نیز اصلاحات ارضی به شکل گیری وضعیت جدید از طبقات در روستاها منجر شد. یکی از واحدهای اصلی که تحت تاثیر اصلاحات ارضی متحول شد؛ طبقه متوسط دهقانی بود و بدون شک آشنایی با وضعیت جدید این طبقه و تحلیل آن وضعیت امکان ارزیابی فرضیه های مربوط به طبقه متوسط دهقانی را بیشتر فراهم خواهد کرد. در این نوشتار تلاش خواهیم نمود تا روند شکل گیری طبقه متوسط در روستا و بررسی نقش اصلاحات ارضی در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. نگارنده بر این اعتقاد است که تحولات ناشی از اصلاحات ارضی باعث شد تا طبقات روستایی متحول شوند و این تحول نحوه ارتباط دهقانان را با دولت تغییر داد و در عین حال عاملی بود در جهت اینکه سیاست شبه مدرنیستی رژیم در روستاها با شکست مواجه شود.

نمای کلی جامعه روستایی ایران قبل از اصلاحات ارضی

در رابطه با نقش اصلاحات ارضی در تحولات اجتماعی لازم است که ابتدا شرایط اجتماعی و اقتصادی قبل از اصلاحات ارضی بررسی شود تا بر اساس آن موقعیت طبقه متوسط دهقانی در قبل و بعد از اصلاحات مورد شناسایی قرار گیرد. پیش از اصلاحات ارضی بیش از نیمی از جمعیت فعال در امر کشاورزی زراعت پیشیه بودند. دهقانان مزارعه کار می توانستند یک سوم محصول را برای

خود نگه دارند و حدود ۷٪ دهقانان نیز مالک اراضی خود بودند. ۲ در دوران پیش از اصلاحات ارضی گروههای مختلفی در طبقه مالک زمین عضویت داشتند. اکثر مالکین ساکن شهر عبارت بودند از درباریان، صاحبان زمینهای اهدایی از سوی شاه، ملاکان قدیمی و سنتی، روسای عشایر که زمینهای مزروعی در اختیار داشتند و نیز تجاری که از طریق سودهای بازرگانی زمینی را خریداری کرده بودند. نیرومندترین گروه از ۴۰۰ تا ۵۰۰ خانواده تشکیل می شد. ۳ برخی از خانواده ها تا حدود ۳۰۰ روستا را مالک بودند. بر اساس یک برآورد موجود، تنها ۳۷ خانواده، ۱۹ هزار روستا یعنی تقریباً ۳۸ درصد کل دهات ایران را در تملک داشتند و گروه دیگری که می توان آنها را مالکین متوسط نامید (یعنی کسانی که ۱ الی ۵ روستا در اختیار داشت) روی هم رفته ۷۰۰۰ روستا و در مجموع، ۱۴ درصد کل دهت ایران را مالک بودند. رضاشاه در دو دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ روستاهای بسیاری را به خود اختصاص داده بود؛ به طوری که وی و خانواده اش به بزرگترین مالک زمین تبدیلی شدند. ۴

در این دوران مهمترین روشهای دوگانه تولید و برداشت محصول، بیگاری یعنی کار مجانی برای ارباب و اشکال مختلف تقسیم محصول بود. روش دوم مستلزم آن بود که دهقانان برای آنکه از محصول سهمی ببرند روی زمین کار کنند. سیستم سهمی شدن در مکانهای مختلف تفاوت داشت و اما معمولی ترین شکل آن بود که محصول بر اساس عوامل ۵ گانه کشاورزی یعنی زمین، نیروی کار، آب، حیوان و بذر به ۵ قسمت تقسیم می شد؛ لذا دهقانی که از نیروی کار خود استفاده می کرد تنها ۲۰ درصد از محصول را برداشت می نمود و ارباب خود به خود و بدون انجام کوچکترین کاری بر روی زمین، ۸۰ درصد سهم می برد و در دهات ایران در قبل از دوران اصلاحات ارضی، مساله به صورت ترکیب ساده مالک و دهقان کارگر نبود، زیرا دو نوع تقسیم بندی دیگر نیز وجود داشت. دهقانانی که حقی بر محصول پیدا می کردند آنهایی بودند که نسبتاً اجازه داشتند روی بخش مربوط به خود (نسق) کار کنند و گروه کارگر فصلی دیگر نیز در درجه بندی پایین تری قرار داشتند. افراد گروه دوم حتی سهم کمتری از دیگران نصیبشان می شد. ثالثاً بین صاحبان نسق و ملاکان غالباً قشر دیگری قرار داشت که کنترل سه عامل لازم کشاورزی یعنی بذر، آب و حیوان را در دست داشت. ۵

در ایران مهمترین مساله برای دهقانان موضوع کمبود آب، زمین و عوامل داخلی ساخت زندگی روستاییان بود. تلاش دهقانان صرفاً جهت دستیابی به آب و زمین بود. بنابراین قبل از اصلاحات ارضی روابط و مناسبات ارضی مسلط مبتنی بر سلسله روابط ارباب- رعیت قرار داشت. دهقانان بی زمین به اشکال مختلف در مقابل مالک و ارباب قرار داشتند و حاصل تولیدات کشاورزی به شکل ابتدایی و با فشارهای گوناگون از طرف مالکان بین دهقانان و مالکان تقسیم می شد. از آنجایی که مالک صاحب زمین و صاحب سایر عناصر اصلی تولید بود بنابراین روابط و مناسبات بین دهقانان و مالک بر مبنای منافع مالک شکل می گرفت. وجود چنین شرایط اجتماعی و اقتصادی یکی از اصول اولیه ایجاد روابط و مناسبات بین دهقانان و مالکان در ایران بود. طبقه مالک از دوران رضاشاه تا اصلاحات ارضی بیشتر طبقه ای زمین دار بود که از بین اقشار مختلف دولتی و غیردولتی به وجود آمده بود. این طبقه همواره از مانع از شکل گیری منسجم طبقه متوسط دهقانی می شد. پس از فروپاشی دولت رضاشاه، طبقه مالکین و زمینداران در طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ مهمترین بخش طبقه مسلط بودند. در این سالها به طور متوسط ۵۶٪ از کرسیهای محلی در اختیار نمایندگان اشراف بود و ۸۰٪ از روستاها در مالکیت عمده مالکان قرار داشت. از ۱۷ نخست وزیر، ۱۵ تن از اشراف زمیندار بودند. به علاوه مجلس شورا قانونی تصویب کرد که به موجب آن زمینهایی را که رضاشاه تصرف کرده بود به صاحبان

اصلی بازگرانده می شد. بسیاری از رجال و سیاستمداران وابسته به طبقه اشراف که در عصر رضاشاه منزوی شده بودند دوباره در صحنه ظاهر شدند. پایگاه قدرت اشراف در اراضی و املاکشان قرار داشت و نفوذ آنها بر دهقانان ضامن انتخاب ایشان به نمایندگی در مجلس بود. در مجلس هیجدهم، ۶۰٪ نمایندگان مجلس از این طبقه بودند.

بنابراین قبل از اصلاحات ارضی یک نوع نظام سلسله مراتبی در دهات به چشم می خورد. این سیستم از مالکان صرف، واسطه های حیوان دار، صاحبان نسق و کارگران تشکیل می شد. این تقسیم بندی اگرچه منشا ماقبل سرمایه داری داشت اما چهارچوبی بود که در آن اصلاحات ارضی انجام شد و تاحدود قابل توجهی تعیین کننده خصائص ساختمان اجتماعی پس از اصلاحات بود. از طرفی قبل از اصلاحات ارضی نظام اصلی بهره برداری از زمین بر پایه نظام ارباب- رعیتی قرار داشت. مالکان زمین، کنترل بر عوامل لازم در امر کشاورزی را بر عهده داشتند و بسیاری از دهقانان بر پایه نیروی کارشان، از یک پنجم محصول سهم می بردند. در دوه قبل از اصلاحات ارضی، روستاهای ایران فاقد شورشهای دهقانی بودند و جنبشهای دهقانی بندرت در سطوح ملی رخ دادند و اکثراً شورشهای ناگهانی بودند. دهقانان در انقلاب ۱۹۰۶ و نیز در جنبش ملی شدن صنعت نفت، همواره در حاشیه قرار داشتند و از جامعه سیاسی کشور بدور بودند. اغلب این جنبشها در چهارچوب قومی یا منطقه ای و در دوران ضعف دولتها شکل گرفته است. چنین وضعیتی که ناشی از عدم وجود تشکیلات دهقانی، پراکندگی جغرافیایی دهات ایران و خطر دائمی چادرنشینان متجاوز بوده است، همواره سبب می شده است که جنبشهای دهقانی ناپایدار و موقت باشند. ۷ شواهد تاریخی درباره رفتار سیاسی دهقانان ایران نشان می دهد که طبقات روستایی نه تنها اهل شورش و انقلاب نبودند بلکه بسیار محافظه کار و مرتجع هم عمل می کردند. بنابراین در ایران، اصلاحات ارضی نه به علت فشار دهقانان بر دولت، بلکه به دلایل دیگری شکل گرفت. ۸ بحران اقتصادی و اجتماعی و ترس رژیم از خطر نفوذ کمونیسم در ایران در اواخر دهه ۴۰، فشار و اختناق سیاسی، تورم و رکود اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش تعارضات و درگیریهای منطقه ای باعث شد تا رهبری جدید امریکا در دوران کندی با آگاهی از تنشهای داخلی، منطقه ای و جهانی مدیریت سیاسی ایران را به انجام اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ترغیب و تشویق نماید. ۹

پی نوشتها:

۱. خسرو خسروی، جامعه دهقانی در ایران، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۷، ص ۱۵

۲. محمدرضا سوداگر، بررسی اصلاحات (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰)، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی نشر پاژند، ۱۳۵۸

۳. محمدرضا سوداگر، نظام ارباب - رعیتی در ایران، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی نشر پاژند، ۱۳۵۹، ص ۶۵

۴. محمدرحیم عیوضی، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴

۵. همان، ص ۱۵۵

۶. حسین بشریه، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰

۷. برینگتن مور، ریشه های اجتماعی و دمکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹، ص ۵۰

۸. میشل گوتمن، ساختار و اصلاحات ارضی، ترجمه فریدون حسینی، تهران، نشر پژوهاک، چاپ دوم، ۱۳۵۹، صص ۴۵-۴۶

۹. محمدرحیم عیوضی، پیشین، ص ۱۵۸ ب حویان و بذر به ۵ قسمت تقسیم شود. لذا دهقانی که از نیوری کا خود استفاده می کرد تنها ۲۰ درصد از محصول را برداشت می نمود و اربا خود به خود و بدن انجام کوچکترین کاری بر روی زمینی ۸۰ درصد سهم می برد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/36450/ارضی-اصلاحات-قب-دوران-ایران-روستایی-جوامع-وضعیت-نگاهی/>